



A Look at Afghanistan Journalism; From Imperialism to Resistance

نگاهی به ژورنالیزم * افغانستان؛ از امپریالیسم تا ایستادگی

Mustafa Aqeli¹

Abstract

Afghan journalism, a function of politics in the country, has gone through many ups and downs and does not follow a straight line. Rather, it has gone through various experiences that can be identified in the form of "three periods and six narratives." This article pursues two goals: one is the principles and assumptions of these six narratives and the second, the orientation of each narrative at different stages. The question is what is the fundamental characteristic of Afghanistan journalism in the nineteenth, twentieth, and twenty-first centuries from 1873 to 2021? The hypothesis is that the characteristic of the first period is identifiable with the confrontation of resistance journalism and imperialist journalism; the characteristic of the second period is identifiable with the confrontation of nationalist journalism and dependency journalism; and the third period is identifiable with the confrontation of critical-revolutionary journalism and liberal-capitalist journalism. In this paper, textual data was analyzed using a qualitative analysis method, and the analytical analyses show that both the dominant and the defeated narratives followed two opposing logics. The narrative that emerged with Jamaluddin Afghani's attitude towards colonialism in the nineteenth century was strengthened by the efforts of Anis and ended with small intellectual publications in the twenty-first century. The narrative of colonialism, dependency and fascism, which is dominant compared to popular narratives, still exists in most media and media practices, both in the state, among ideological groups and among liberal media owners. This article analyzes two simultaneous lines in the history of journalism and shows the relationship of media with politics and culture in a political context economy.

Keywords: imperialism, political-changes, state, journalism discipline, media, political-system.

مصطفی عاقلی^۱

چکیده

ژورنالیزم افغانستان، تابعی از سیاست‌ورزی در کشور، فراز و فرودهای زیادی را پشت‌سر گذاشته و یک خط مستقیم را دنبال نکرده است؛ بلکه تجربه‌های گوناگون را از سرگذرانده است که می‌توان آن را در قالب «سه دوره و شش روایت» شناسایی کرد. این مقاله دو هدف را دنبال می‌کند: یکی فهم اصول و مفروضه‌های این شش روایت و دوم، جهت‌گیری هر روایت در مقاطع گوناگون. پرسش این است که ویژگی بنیادین ژورنالیزم افغانستان در سده‌های نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم از ۱۲۵۲ تا ۱۴۰۰ ه.ش چیستند؟ فرضیه این است که ویژگی دور نخست با رویارویی ژورنالیزم ایستادگی و ژورنالیزم امپریالیست؛ ویژگی دور دوم با رویارویی ژورنالیزم ملی‌گرا و ژورنالیزم وابستگی؛ و دور سوم با رویارویی ژورنالیزم رهایی‌بخش-انتقادی و ژورنالیزم سرمایه‌داری لیبرال شناسایی پذیر است. در این نوشته، داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی، تجزیه و تحلیل شده است و یافته‌های تحلیل نشان می‌دهند که هر دو روایت غالب و مغلوب از دو منطق متضاد پی‌روی کردند. روایت ایستادگی با نگرش سیدجمال‌الدین افغانی در سده‌ی نوزدهم در برابر استعمار روی کار آمد، با کوشش انیس تقویت شد و با نشریه‌های کوچک روشن‌فکری در سده‌ی بیست‌ویکم پایان یافت. روایت استعمار، وابستگی و فاشیسم که در مقایسه با روایت ایستادگی غالب بوده است، در بیش‌تر رسانه‌ها و کنش‌های رسانه‌ای هم در دولت، هم نزد گروه‌های ایدیولوژیک و هم نزد مالکان رسانه‌های لیبرال، هم‌چنان وجود داشته است. این مقاله دو خط هم‌زمان را در تاریخ ژورنالیزم مورد تحلیل قرار می‌دهد و رابطه‌ی رسانه را با سیاست و فرهنگ در یک بافت اقتصاد سیاسی نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: امپریالیسم، تحولات سیاسی، دولت، رشته‌ی ژورنالیزم، رسانه، نظام سیاسی.

Cite this article: Aqeli, Mustafa. (2025). A Look at Afghanistan Journalism; From Imperialism to Resistance. Rana Academic & Research Journal. Volume 9. Issue 01. pp 25 - 38

ارجاع به این مقاله: عاقلی، مصطفی. (۱۴۰۴). *نگاهی به ژورنالیزم افغانستان؛ از امپریالیسم تا ایستادگی*. فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی رنا. دوره‌ی نهم. شماره‌ی اول. صص: ۲۵ - ۳۸

¹ Faculty Member, Journalism Department, Rana University, Kabul, Afghanistan.

^۱ عضو کادر علمی، پوهنتون ژورنالیزم، پوهنتون رنا، کابل، افغانستان.

* در این‌جا ژورنالیزم در معنای متعارف و متداول آن مد نظر است، نه معنای جایگزین پیشنهادی مکتب مطالعات ژورنالیزم کابل (KSJS) که در آن ژورنالیزم بیش‌تر از آن‌که ناظر بر عمل روزنامه‌نگاری باشد، ناظر بر معرفت ژورنالیزم، یعنی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی ژورنالیزم است.

مقدمه

ژورنالیزم، به مثابه‌ی دانش اجتماعی یک دانش قدرت‌مند و کاربردی است. کاربرد آن چونان است که پیر بورديو در کتاب «درباره‌ی تلویزیون و سلطه‌ی ژورنالیزم» (بورديو، ۱۴۰۱) باور دارد که ژورنالیزم واقعیت‌های اجتماعی را از راه چارچوب‌سازی شکل می‌دهد. پس اگر ژورنالیزم قدرت سازندگی واقعیت‌های اجتماعی را دارد، بدون تردید، قدرت سازندگی آن بسته به حمایت مالی و سیاسی از یک جامعه تا جامعه‌ی دیگر و از یک زمان تا زمان دیگر فرق خواهد کرد. تجربه‌ی ۲۰ سال اخیر، لیبرال‌دموکراسی غربی در افغانستان به خوبی نشان داد که رسانه‌ها در روایت‌سازی تا چه میزان نقش نیرومند داشته و حمایت از آن‌ها توسط کشورهای قدرت‌مند غربی چگونه نگرش مردم را به خویشتن خویش و دیگران شکل می‌دهند.

ژورنالیزم و کنش رسانه‌ای در افغانستان متناسب با حمایت سیاسی و یا عدم حمایت سیاسی از سده‌ی نوزدهم تا سده‌ی بیست‌ویکم، تغییر شکل داده و سمت‌گیری کرده است. این بدان معنی است که ژورنالیزم افغانستان تابعی از سیاست‌ورزی در کشور، فراز و فرودهای زیاد داشته است. یک‌ونیم سده روزنامه‌نگاری در کشور، گواهی بر این است که ما یک خط ویژه را دنبال نکرده، بلکه هرازگاهی تجربه‌های متفاوتی از ژورنالیزم را به کار بسته‌ایم، که به گونه‌ی کلی سه دور و شش روایت را می‌توان شناخت: در آغاز با شکل‌گیری روزنامه‌نگاری در افغانستان، یعنی ایجاد شمس‌النهار در ۱۲۵۲، دو روایت امپریالیسم و ایستادگی را گواه هستیم که اولی روایت غالب و دومی روایت مغلوب آن است که می‌توان آن دوره را زمان استعمارگری و استعمارزدایی نیز نامید. گرچه در این دوره، ما آموزش علمی ژورنالیزم نداریم و رسانه‌های زیاد را نیز گواه نیستیم، مگر شمس‌النهار از دید فرهنگی و سیاسی نقش بارز بازی می‌کند. تا این که به دوره‌ی دوم، یعنی تجربه‌ی سراج‌الانبار اول در ۱۲۸۰ می‌رسیم و در آن جا ملی‌گرایی با رویکرد تباری جای آن را می‌گیرد. در نتیجه، دو روایت؛ یکی روایت ملی‌گرایی افغانی و دیگری روایت وابستگی به بیرون به وجود می‌آید. ملی‌گرایی با رویکرد افغانی را محمود طرزی رهبری کرد و در دوره‌ی داوود خان در نشریه‌ی جمهوریت جایگاه خود را تثبیت کرد، در حالی روایت وابستگی به بیرون، در نادرخان و صدارت هاشم‌خان و محمودخان و نیز در نشریات خلق و پرچم نمود یافتند و در نشریات مجاهدین وقت برجسته شدند.

سپس در دوره‌ی سوم با حضور امریکا و غرب در ۱۳۸۰ در افغانستان، سرمایه‌داری لیبرال، مبانی رویکرد روزنامه‌نگاری این کشور شد و همه محتوا، روش و ابزار را در تولید و نشر رسانه‌ای در خدمت گرفت. ژورنالیزم این دوره در خدمت امپریالیسم، به ویژه امپریالیسم فرهنگی غرب و امریکا بود و مصرف‌گرایی و بازارمحوری مرکز ثقل آن بود. در این دوره، هیچ رسانه‌ای به عنوان رویکرد پرقدرت بدیل به مثابه‌ی ژورنالیزم ایستادگی وجود نداشت. پس در این زمان دو روایت وجود داشت؛ روایت غالب، سرمایه‌داری بود که با هم‌سویی بروکرات‌های غرب‌گرا روی صحنه آمد که می‌توان از آن به عنوان «امپریالیسم و فاشیسم در لباس لیبرالیسم» یاد کرد. روایت مغلوب آن امپریالیسم‌زدایی و فاشیسم‌زدایی در عرصه‌های فرهنگی و سیاسی و نیز کاهش وابستگی اقتصادی دولت در عرصه‌ی اقتصادی بود.

در کنار رسانه‌های نوشتاری، رسانه‌های دیداری قدرت‌مندی مانند طلوع، آریانا، یک، شمشاد، لمر، ژوندون، راه فردا، تمدن و... نمونه‌ی بارز عملی و نصاب‌های درسی رشته‌های ژورنالیزم چندین پوهنتون از نمونه‌های نظری روایت نخست و نشریه‌ی فدرال، آزادگان و انقلاب فرهنگی از نمونه‌های بارز روایت دوم بودند، اما هیچ‌یک از رسانه‌های دیداری حامی روایت دوم نبودند. رسانه‌های نوشتاری هم آن قدر قدرت‌مند نبودند که بتوانند روایت نخست را به چالش بکشند. در نهایت رژیم لیبرال و فرزند آن، ژورنالیزم لیبرال، فروپاشید. حال پرسش اصلی این است که مفروضه‌ها و ویژگی‌های بنیادین ژورنالیزم افغانستان در سده‌های نوزدهم، بیستم و بیست‌ویکم (از ۱۲۵۲ تا ۱۴۰۰) چیستند؟ برای پاسخ‌گویی به پرسش بالا، برخی از نوشته‌های مرتبط جست‌وجو شده و بررسی شده‌اند، تا دیده شود که به این پرسش

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴ هـ.ش

چه پاسخی ارایه کرده‌اند، گرچند هیچ نوشته‌ای پاسخ به پرسش تحقیق کنونی ارایه نکرده است. با این حال، نوشته‌های تاریخ ژورنالیزم و رسانه، مورد بررسی قرار گرفته است، تا بهتر بتوان هدف تحقیق را در روشنایی آنان پی گرفت.

عبدالله شادان، در نوشته‌ای زیر عنوان شمس‌النهار، نخستین نشریه در افغانستان که در سایت بی‌بی‌سی، در سال ۱۳۹۰ ه.ش نشر شده است، باور دارد که استعمارزدایی و در عین حال گرایش به مدرن شدن، ویژگی بنیادین شمس‌النهار بود. شادان به گذشته‌ی مطبوعات در افغانستان اشاره کرده و گفته است که ۶۰ سال پیش از شمس‌النهار، به زبان پارسی نشریه‌ای در هند زیر عنوان «مرات‌الحوال» توسط موهان رای پایه‌گذاری شد. او شمس‌النهار را نشریه‌ی بسیار مهم می‌داند، مگر به گونه‌ی مشخص نگفته است که چگونه این نشریه استعمارزدا بود و سیاست ایستادگی در برابر انگلیس را دنبال می‌کرد. شادان گفته است که این نشریه «مطابق همان شرایط بود» که این می‌تواند به معنای پذیرش سیاست وابستگی به غرب باشد. نویسنده به گونه‌ی مشخص بالای اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان نپرداخته است.

نوشته‌ی دوم از صبور غفوری، زیر نام تاریخ رسانه‌های افغانستان (از شیرعلی تا اشرف غنی) است که توسط انتشارات سعید در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است. نویسنده باور دارد که هر نشریه متناسب با زمان و شرایط خود سمت‌گیری داشته، فشارهای داخلی و یا بین‌المللی محتوای آن را تأیید می‌کرد. از دید غفوری، برای درک محتوای نشراتی رسانه‌ها در گذر زمان، باید به سیاست رسمی زمان فعالیت آن‌ها توجه کرد، مگر نویسنده به گونه‌ی مشخص به اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان نپرداخته است.

نوشته‌ی دیگر از نویسنده‌ی ناشناس، زیر نام سراج‌الخبر و آغاز مطبوعات مدرن در افغانستان است که در سایت بی‌بی‌سی فارسی در سال ۱۳۹۰ ه.ش نشر شده است. نویسنده باور دارد که مطبوعات مدرن با حضور سراج‌الخبر در افغانستان روی کار آمد که ناشی از کوشش‌های محمود طرزی در افغانستان بود. ویژگی بارز آن، ملت‌سازی با گرایش تباری بود که باور به ساخت جامعه‌ی مرفه (با الگوبرداری از تجربه‌ی ترکیه) داشت. این نوشته، مانند نوشته‌ی پیش، سمت‌وسوی محتوای نشراتی آن را مشخص نکرده و به گونه‌ی کلی از اصلاح‌گرایی نام برده و مشخص به اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان نپرداخته است.

کاظم آهنگ در کتاب سیر ژورنالیزم در افغانستان که در ۱۳۴۹ ه.ش منتشر شده است، کوشیده است، نشان دهد که تاریخ مطبوعات افغانستان از شمس‌النهار آغاز شده و ادامه داشته است. آهنگ با وجود این که تاریخ رسانه‌های افغانستان را تشریح کرده و چگونگی فعالیت آنان را مشخص کرده است، مگر با یک دید تیوریک به آن‌ها نگاه نکرده و از این رو، کتاب فاقد زمینه‌ی تحلیلی بوده و بیش‌تر توصیفی از مطبوعات افغانستان است. از این رو، به اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان نپرداخته است.

کاظم آهنگ در مقاله‌ی سابقه و آغاز ژورنالیزم در افغانستان که در سال ۱۳۴۹ ه.ش در نشریه‌ی آریانا چاپ شده است، تاریخ ژورنالیزم که بیش‌تر منظور ایشان تاریخ رسانه است، را توصیف کرده است، مگر هدف ایشان تنها بازگویی شکل‌گیری رسانه، ساختار و محتوای چندی از رسانه‌های آغازین بوده است و به اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان نپرداخته است.

رسول رهین در کتاب تاریخ مطبوعات افغانستان از شمس‌النهار تا جمهوریت که در سال ۱۳۸۶ ه.ش توسط انتشارات سعید منتشر شده است، به تاریخ ژورنالیزم پرداخته و مطبوعات افغانستان را با جزئیات معرفی کرده است، مگر با رویکرد تحلیلی اصول و مفروضه‌های ژورنالیزم را معرفی نکرده است.

پرتو نادری در کتاب چگونگی رسانه‌های افغانستان که از سوی مجمع جامعه‌ی مدنی در سال ۱۳۸۵ ه.ش نشر شده است، کوشیده است محتوای رسانه‌های افغانستان را تحلیل نماید. این نوشته، به هدف ما خیلی نزدیک است و توانسته

فصل‌نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴ ه.ش

فصل نامی

علمی - تحقیقی رنا

شماره (۱)

بهار ۱۴۰۴ هـ

است تحلیل سودمندی از محتوای رسانه‌های هر دوره متناسب با نظام سیاسی ارایه نماید، مگر به اصول، مفروضه‌ها و ویژگی‌های ژورنالیزم آن زمان به گونه‌ی تیوریک پرداخته است.

این ادبیات نشان می‌دهند که هیچ‌یک از آثار بررسی شده، یک نگاه جامع و تحلیلی به «تاریخ ژورنالیزم افغانستان» نداشته و تنها تمرکز کلی آن‌ها به توصیف و یا تحلیل (بنگرید نادری، ۱۳۸۵) رسانه بوده است. هدف تحقیق کنونی کشف و تحلیل اصول و مفروضه‌های ژورنالیزم از ۱۲۵۲ - ۱۴۰۰ هـ.ش با نگاهی تاریخی - مقایسه‌ای است که با روش تحلیل محتوای کیفی، آثار مربوط را تحلیل نموده و جهت‌گیری کلی آنان را نشان خواهد داد. نویسنده در گام نخست، ژورنالیزم افغانستان را در سده‌ی نوزدهم بررسی می‌کند. سپس آن را در سده‌ی بیستم پی می‌گیرد و در نهایت این ژورنالیزم را در سده‌ی بیست و یکم نیز تحلیل می‌نماید. نویسنده هم‌چنان دو خط موازی را در سه سده (نوزدهم، بیستم و بیست و یکم) بررسی می‌کند که یکی آن ژورنالیزم امپریالیستی - ملی‌گرا بوده و دیگری آن ژورنالیزم ایستادگی می‌باشد.

۱. ژورنالیزم افغانستان در سده‌ی نوزدهم: استعمارگری و استعمارزدایی (۱۲۵۲ - ۱۲۸۰)

روزنامه‌نگاری افغانستان به صورت عملی و نه علمی، برای نخستین بار در ۱۲۵۲ هـ.ش با ایجاد شمس‌النهار آغاز شد (نادری، ۱۳۸۵: ۳). این نشریه با پیشنهاد سیدجمال‌الدین در ۱۲۵۲ مورد پذیرش امیر شیرعلی خان قرار گرفت و به عنوان یک نشریه‌ی میهن‌دوست و استعمارزدا روی کار آمد (بی‌نوا، ۱۳۳۰: ۱) و (حسین‌زاده، ۱۳۸۹)؛ مگر از آن‌جا که انگلیس در افغانستان حضور فعال داشت و شیرعلی خان هم نمی‌توانست خودگردانی داشته باشد، باوجود روحیه‌ی ضداستعماری، هم‌چنان احتیاط به خرج می‌داد و از رویارویی مستقیم می‌پرهیزید. از همین رو، گاهی که این نشریه در برابر امپریالیسم موضع می‌گرفت و سپس از سوی انگلیس از نشر باز می‌ماند. پرتو نادری از زبان غبار می‌نویسد که عبدالقادر، مدیر مسوول این نشریه، جاسوس انگلیس بود. او توانست تا جایگاه منشی نظامی و سیاسی امیر شیرعلی خان را به دست بیاورد (نادری، ۱۴۰۲).

سیدجمال‌الدین که روحیه‌ی امپریالیسم‌ستیزی داشت، یک پان‌اسلامیست و پان‌آسیاگرا بود که ملی‌گرایی را با بین‌الملل‌گرایی پیوند می‌زد، آرزو داشت نشریه‌ی افغانستان این روحیه را داشته و در خود تقویت نماید. از این رو، این رسانه را باید در این چارچوب درک کرد (شادان، ۱۳۹۰). این با موضع با پرتو تفاوت بنیادین دارد. راه‌حل نزدیک‌سازی دو موضع بالا این است که باور داشته باشیم فشار استعمار انگلیس می‌توانست سمت‌گیری این نشریه را تغییر دهد. کسانی که به عنوان مسوول و نویسنده در این رسانه می‌نوشتند، همه رویکرد امپریالیسم‌ستیزی داشتند و سیاست ایستادگی را دنبال می‌کردند. مگر زمانی که فشار وارد می‌شد، نوشته‌ها روحیه‌ی رویارویی نداشتند. بسیاری‌ها باور دارند که مدیر مسوول شمس‌النهار میرزا عبدالعلی است؛ گرچند بسیاری باور ندارند که مدیر مسوول داشته باشد و تنها از عبدالعلی خان به عنوان مهم‌م نام می‌برند. ویژگی این دور، در رویارویی دو روایت غرب‌گرا و آسیاگرا فشرده می‌شود. روایت استعمارزدایی و کاهش نفوذ قدرت‌های بزرگ و اصلاح‌گرایی در برابر چیرگی غرب مهم‌ترین رمز تحلیل روزنامه‌نگاری افغانستان در این دوره است.

مفروضه‌های روزنامه‌نگاری این دور عبارت‌اند از: (۱) روزنامه‌نگاری به عنوان رویکرد روشن‌فکری و آزادی‌خواهی؛ (۲) روزنامه‌نگاری بستری برای ساخت یک جامعه‌ی معرفتی و پلی میان نخبگان فکری؛ (۳) روزنامه‌نگاری به مثابه‌ی راه‌کارهای علمی و مدنی برای سیاست‌مداران در راستای ساخت و اصلاحات؛ و (۴) بومی کردن نمونه‌های غربی برای تطبیق‌پذیری در افغانستان.

ویژگی روزنامه‌نگاری این دوره را باید رویارویی روایت‌ها، روزنامه‌نگاری متعهد، پان‌آسیاگرایی، پان‌اسلام‌گرایی، ملی‌گرایی تقویت و اصلاحات داخلی، کاهش وابستگی، رفع استعمار، دولت‌سازی قومی، به‌ویژه در دوره‌ی عبدالرحمان خان یاد کرد. با نگاه به واژگان بالا متوجه می‌شویم که وزن رفع استعمار از اصلاحات داخلی بیش‌تر است. اگرچندی در شمس‌النهار به مسایل داخلی نیز پرداخته می‌شد، ولی توان نقد حکمران زمان را نداشت. گرچند استعمار و نشر پا به پای

هم در این کشور آمدند و مطبوعه‌ی افغانستان در دوره‌ی شیرعلی خان زمینه‌ی نفوذ اندیشه‌های غربی را رقم زد، مگر همین مطبوعه و نشریه‌ی شمس‌النهار در روشن‌گری و سیاست ایستادگی کارگر افتاد و روایت بدیل استعمار، یعنی استعمارستیزی را به وجود آورد. نشریات منطقه‌ای و بین‌المللی که به گونه‌ی محدود دست به دست می‌شدند، در آگاهی مردم از وضع افغانستان و منطقه موثر بودند و زمینه‌ساز تحولاتی شدند که بعداً در سده‌ی بیستم می‌توان از آن به عنوان جنبش مشروطیت نام برد (بی‌بی‌سی، ۱۳۹۰). روزنامه‌نگاری سده‌ی نوزدهم افغانستان، در پیوند با استعمار و واکنش به آن شکل گرفت. شمس‌النهار با وجود فشارهای سیاسی و مداخله‌های استعماری، بستری برای بروز اندیشه‌های ضداستعماری و روشن‌فکری شد. این دوره را باید آغازی برای شکل‌گیری گفتمان مقاومت رسانه‌ای و ملی‌گرایی در تاریخ مطبوعات افغانستان دانست.

۲. ژورنالیزم افغانستان در سده‌ی بیستم: ملی‌گرایی و وابستگی (۱۲۸۰ - ۱۳۸۰)

جنبش مشروطیت در افغانستان به رهبری واصف کندهاری و دیگر روشن‌فکران ملی‌گرا شکل گرفت^۱. گرچه تجربه‌ی ترکیه و ایران، نقش موثر در شکل‌گیری این حلقه داشت، مگر این روشن‌فکران بومی‌گرای هندی بودند که با تجربه‌ی تلخی که از حضور انگلیس در نیم‌قاره داشتند، شکل ویژه‌ای از فعالیت مدنی را لازم دیدند. این دقیقاً حلقه‌ی وصلی است که ما در دور اول از آن به عنوان پان‌آسیاگرایی در برابر غرب‌گرایی یاد کردیم. سراج‌الانبار اول در ۱۲۸۵ ه.ش توسط همین گروه آزادی‌خواه و مشروطه‌خواه، روی کار آمد. عبدالغنی و برادرانش که هندی بودند، در کنار واصف کندهاری و دیگر کنش‌گران مدنی و سیاسی، نمونه‌ی برجسته‌ی سیاست‌کاهش وابستگی در کنش روزنامه‌نگارانه‌ی آن دوره بود (حبیبی، ۱۳۶۳: ۱۱-۶).

دومین نقش را ترکیه بازی کرد. زمانی که طرزی از ترکیه به افغانستان آمد، خواست تجربه‌ی نوگرایی ترکی را در افغانستان به آزمون بگیرد (گریگورین، ۱۳۸۷: ۲-۱). از همین رو، به کمک و یاری دامادش عنایت‌الله خان (داماد دیگرش امان‌الله خان بود)، سراج‌الانبار دوم را ایجاد کرد. پس اگر سراج‌الانبار اول را متأثر از پان‌آسیاگرایی هندی بدانیم، سراج‌الانبار دوم متأثر از ملی‌گرایی ترکی است. هردو تجربه‌ی کاملاً با یک‌دیگر، در راستای کاهش سیاست وابستگی، هم‌سو بودند (سیستانی، ۲۰۰۴: ۷-۶).

نماینده‌ی اول سراج‌الانبار اول و نماینده‌ی دومی سراج‌الانبار دوم بود. پیشنهاد استقلال از انگلیس توسط حبیب‌الله و سپس عملی‌سازی آن توسط فرزندش امان‌الله خان، در همین راستا قابل تحلیل است (غفوری، ۱۴۰۳: ۴۸). ناگفته نماند که نشریه‌ی ارشاد‌النسوان با همت بانو اسما رسمیه، بانو ملکه ثریا و بانو روح‌افزا نیز، نشان‌دهنده‌ی حضور زنان (دست‌کم زنان دربار) در مسایل اجتماعی و سیاسی است (خبرگزاری زنان افغانستان، ۱۳۹۹؛ موسی‌نظام، ۱۳۹۸: ۳-۲). نشریه‌ی انیس با همت محی‌الدین انیس در ۱۳۰۶ ه.ش نیز نشریه‌ی آزادی‌خواهانه بود که در راستای اصلاحات داخلی نشر می‌شد.

پس از روی کار آمدن نادرشاه، کنش رسانه‌ای از بین نرفت، بلکه در خدمت دولت درآمد (نشریه‌ی انیس دولتی شد و خود انیس زندانی و سپس شهید شد) و رسانه‌ها از اندیشه‌ی پان‌آسیاگرایی و امپریالیسم‌ستیزی تهی شدند و به جای آن، ناسیونالیسم تباری ویژگی برجسته‌ی روزنامه‌نگاری افغانستان شد. این گونه نبود که نادر خان و یا فرزند آن ظاهر خان، با مطبوعات دشمنی نمایند (هرچند از اختناق مطبوعات در دوره‌ی نادرخان یاد می‌کنند). بلکه برعکس، ما گواه رشد رسانه و روزنامه‌نگاری در آن دوره هستیم؛ با این تفاوت که ژورنالیزم افغانستان در خدمت ایدئولوژی ناسیونالیستی از گونه‌ی تباری آن قرار گرفت (نادری، ۱۳۸۵: ۱۵-۱۸) یک تفاوت بارز نادر خان و فرزند آن ظاهر خان، این است که در دوره‌ی ظاهر خان، به‌ویژه در دوره‌ی دموکراسی، گواه شکل‌گیری جریان‌های مدنی و سیاسی گوناگون و به تبع آن رسانه‌های گوناگون هستیم (همان، ۲۱). مگر روحیه‌ی اصلی و عمومی هم‌چنان ناسیونالیستی باقی ماند. چیزی که بسیار

^۱ برخی از نویسندگان مشروطیت اول و دوم را باور ندارند: بنگرید به: بیانفر زیر و همکاران (۱۴۰۲) «مشروطیت از تحریف تا واقعیات در افغانستان»، شانزدهمین همایش ملی تحقیق‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران، دسترس‌پذیر در پیوند زیر: <https://civilica.com/doc/1979380>

فصل نام‌های

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴هـ

مهم است، این است که در این دوره، افغانستان رسماً رشته‌ی روزنامه‌نگاری را با هم‌کاری امریکا در پوهنتون کابل تاسیس کرد. رشته‌ی ژورنالیزم با هم‌کاری پوهنتون میسگان در ۱۹۶۱م در چارچوب دانشکده زبان و ادبیات ایجاد شد، در ۱۹۸۰ این رشته به چوکات علوم اجتماعی منتقل شد و در ۱۳۴۰هـ.ش رسماً به عنوان یک دانشکده‌ی مستقل درآمد (غفوری، ۱۳۹۶).

به هر صورت، ناسیونالیسم تباری و هویتی با کودتای سفید داوود خان نه تنها تفاوتی نکرد، که بدتر هم شد. به این معنا که به رغم تغییر نظام کشور از شاهی به جمهوری، مسیر مطبوعات افزون بر ماهیت ناسیونالیستی، استبدادی نیز شد. نشریه‌ی جمهوریت از دید محتوایی همان مسیری را دنبال می‌کرد که نشریات دولتی در زمان نادر خان و ظاهر خان (در صدارت هاشم خان) دنبال می‌کردند. شاید بتوان ویژگی برجسته‌ی رسانه‌ها را در نظام رسانه‌ای در دور داوود خان، استبدادی تعریف کرد (نادری، ۱۳۸۵: ۲۶-۲۸).

در دوره‌ی حزب دموکراتیک خلق و پرچم، افغانستان از ملی‌گرایی تباری به سمت «سیاست وابستگی» به مسکو گرایش یافت و مطبوعات افغانستان خلق و خوی کمونیستی پیدا کردند. نشریه‌ی خلق نمونه‌ی برجسته‌ی آن است. عملاً ملی‌گرایی جای خود را به جهان‌گرایی سوسیالیستی داد و رسانه‌های کشور ایدیولوژیک شدند. در این دوره، به‌ویژه در دوره‌ی کارمل، در ۱۳۶۵هـ.ش پوهنخی ژورنالیزم پوهنتون کابل مستقل نیز شد. زیرا، برای تبلیغات کمونیستی ابزار موثری بود. در تقابل با آن، روحیه‌ی اسلام‌گرایی روی کار آمد. در نتیجه، روایت‌های کمونیستی و اسلامی جهان‌گرا بودند، نه آسیاگرا یا ملی‌گرا. نشریه‌ی مجاهد، اسلامی، وحدت و دعوت، از نمونه‌های برجسته‌ی تفکر اسلام سیاسی هستند و عملاً جریان‌های اسلام‌گرا با کشورهای سنی یا شیعه وابستگی داشتند و به نحوی با سیاست‌های امریکا در افغانستان و منطقه دمساز شدند (عاقلی، ۱۴۰۲: ۱۲-۱۴).

بسته به دو روایت بالا، مفروضه‌های خاصی قابل شناسایی است: مفروض روایت ملی‌گرایی عبارت‌اند از: (۱) روزنامه‌نگاری در خدمت استقلال‌طلبی در سیاست خارجی (به جز مورد نادر خان)؛ (۲) روزنامه‌نگاری در خدمت مشروطه‌خواهی و اصلاح‌گرایی در سیاست داخلی؛ (۳) روزنامه‌نگاری در خدمت تقویت جای‌گاه افغانستان از راه ایجاد بنگاه‌ها و زیرساخت‌ها (دور دوم ظاهر خان و داوود خان)؛ و (۴) نفی هرگونه وابستگی که دو روایت دارد: روایت غالب و روایت مغلوب. روایت غالب «ناسیونالیسم قومی ادغام‌گرایانه» است که مدافع آن حزب «افغان ملت» است. رویکرد مغلوب آن که نماینده‌ی آن «محفل انتظار» یا جریان «ضد ستم ملی» است و خواهان «ناسیونالیسم کثرت‌گرایانه» هستند. ویژگی‌های آن عبارت‌اند از: تلاش برای بازسازی افغانستان، جلب کمک‌های بین‌المللی، افزایش اعتبار افغانستان، مشروطیت‌خواهی (دوره‌ی حبیب‌الله خان، امان‌الله خان و دور دوم ظاهر خان)، تکررگرایی در ابزار و ادغام‌گرایی در محتوا، به‌ویژه در دوره‌ی دموکراسی، ایجاد اصلاحات در سیاست و فرهنگ، افزایش نهادهای آموزشی و همگانی.

مفروض روزنامه‌نگاری وابسته به بیرون نیز این موارد هستند: (۱) روزنامه‌نگاری در خدمت کمونیسم که منجر به شکل‌گیری تقلید بی‌رویه و ارزش‌زدایی از فرهنگ افغانستان شد؛ (۲) روزنامه‌نگاری در خدمت اسلام به عنوان هویت جهان‌گستر که منجر به شکل‌گیری دو رایت سنی و شیعه با وابستگی به سعودی و ایران گردید و کشمکش‌های بعدی را سبب شد؛ (۳) روزنامه‌نگاری رقیب که به دنبال حذف و برانداختن مشروعیت رقبا بود؛ و (۴) روزنامه‌نگاری مدافع که به دنبال دفاع از ایدیولوژی و برنامه‌های خاص آن دوره است.

ویژگی برجسته‌ی این روایت از روزنامه‌نگاری در این دوره، خدمت به ایدیولوژی، تخیلی بودن، مدافع بودن، حمله کردن، ایجاد پروپاگندا، عینی نبودن، بی‌طرف نبودن، سیاسی بودن و وارداتی بودن است. در این‌گونه ژورنالیزم گروه‌های رقیب به دنبال حذف مخالفان از راه تبلیغات و رسانه‌ها بودند که اوج آن را می‌توان در رویارویی خلق و پرچم و مجاهدین باز یافت.

۳. ژورنالیزم افغانستان در سده‌ی بیست و یکم: امپریالیسم و ایستادگی (۱۳۸۰ تا ۱۴۰۰)

با حضور امریکا در افغانستان، همه چیز به کلی از سر گرفته شد و ژورنالیزم سده‌ی بیست و یکم همانند سایر حوزه‌ها یک تحول بنیادین را تجربه کرد؛ به گونه‌ای که هزاران رسانه‌ی نوشتاری، صداها و رادیو و ده‌ها تلویزیون را شامل شد (غفوری، ۱۳۹۶: ۱۸۴؛ ابراهیمی، ۱۴۰۳: ۳۶). روزنامه‌های آرمان ملی، اطلاعات روز، انیس، افغانستان، کابل تایمز، ماندگار و هشت صبح، مهم‌ترین روزنامه‌های این دوره بودند. رادیو آشنا، رادیو آرمان، رادیو فردا رادیوهای مهم و تلویزیون‌های طلوع، یک، آریانا و... نیز جزو قدرت‌مندترین رسانه‌های تصویری نمایان شدند. با نگاهی به رسانه‌های افغانستان در این دور، روزنامه‌نگاری لیبرال، رویکرد چیره این دور است (عاقلی، ۱۳۹۹ الف: ۱۲۳). روزنامه‌نگاری لیبرال از راه ایجاد رشته‌های روزنامه‌نگاری در نهادهای تحصیلی دولتی و خصوصی، ایجاد مراکز تحقیقاتی و فعالیت در شبکه‌های فراملی، تقویت شد و عملاً بدون رقیب قدرت‌مند باقی ماند (عاقلی، ۱۴۰۳). گرچند این روزنامه‌نگاری، روزنامه‌نگاری مخالف خود را نیز داشت. با این وجود، رویکرد مخالف آن اندازه قدرت‌مند نبود که بتواند رویکرد غالب را به چالش بکشد. نشریه‌ی فدرال، نشریه‌ی آزادگان و انقلاب فرهنگی، نمونه‌ی بارز رسانه‌های مخالف، هرچند بسیار ضعیف بودند. این رسانه‌ها، روزنامه‌نگاری مرسوم غربی را به چالش کشیده و رسانه‌های وابسته به غرب را نقد می‌کردند. به باور این رسانه‌ها و نویسندگانی که در حلقه‌های آن‌ها گرد آمده بودند، افغانستان زیر اشغال امریکا بود و نوع ویژه‌ای از نگاه به جهان اجتماعی به صورت کلی و نگاه به رسانه‌ها به گونه‌ی خاص با عینک غربی صورت می‌گرفت. بنابراین، از دید این رسانه‌ها، لازم بود که ژورنالیزم و رسانه از زیر نفوذ چشم‌انداز لیبرال غربی رهایی یابد و انتقادی شود تا به خوبی بتواند رابطه‌ی سرمایه، قدرت و هویت را نشان دهد.

مهم است دانسته شود که چرا رسانه‌ها و ژورنالیزم هزاره‌ی سوم، بازاری و غرب‌محور بودند؟ دلایل بی‌شماری وجود دارد که از آن میان، می‌توان به وابستگی مالی به کمک‌های بین‌المللی، نبود توان مالی بومی، عدم توجه دولت به رسانه و افزایش رسانه‌های پروژه‌گیر، تقلید از فرهنگ غربی، افزایش محصولات غربی، توجه به ایجاد رسانه برای افزایش بنیه‌ی مالی، کاهش تعهد اخلاقی به روزنامه‌نگاری، اشاره کرد (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۳۴-۱۳۵). مفروضه‌های روزنامه‌نگاری جدید افغانستان، بسته به دو روایت ملی‌گرایی کثرت‌گرایانه و لیبرالیستی غرب‌گرایانه متفاوت است.^۲ روایت غرب‌گرا که در تباری با رویکرد ملی‌گرای ادغام‌گرا شکل گرفت، مفروضه‌های روشنی داشت: (۱) روزنامه‌نگاری در خدمت سرمایه‌داری و بازار آزاد؛ (۲) دولت‌سازی از بالا به پایین با سیاست ادغام هویت‌های تباری دیگران (عاقلی، ۱۳۹۹ ب: ۳) فردگرایی و مالکیت خصوصی رسانه؛ و (۴) وابستگی رسانه‌ها به منابع تمویل، کاهش ارزش‌های بومی و تقویت ارزش‌های جهان‌شمول غربی در چارچوب جهانی شدن فرهنگ، سیاست و اقتصاد (امریکایی‌سازی). با اندک اندیشه پیرامون عمل‌کرد رسانه‌های افغانستان به خوبی می‌توان موارد بالا را گواه بود.

ویژگی برجسته‌ی این روزنامه‌نگاری عبارت بودند از: بازارمحوری، خصوصی‌سازی، ایجاد فرهنگ توده‌ای، کاهش نگاه زیباشناسانه به فرهنگ و تولید محتوا، افزایش کمیت و کاهش کیفیت، عینیت‌محوری و بی‌طرفی در نشر و پخش اطلاعات- بدون مسوولیت اخلاقی، آزادی بیان و گسترش اطلاعات، تقویت جریان نابرابر اطلاعاتی و تغذیه‌ی رسانه‌های بومی از رسانه‌های بین‌المللی، افزایش بحران هویت، سکولاریسم نشراتی، زدودن ارزش‌های سنتی و افزایش جای‌گاه رسانه از ابزار روشن‌گری به ابزار درآمدزا، حمایت از سرمایه‌گذاری خصوصی بین‌المللی و ادغام افغانستان در بازارهای جهانی.

^۲ برای فهم این دو روایت ادغام‌گرا و کثرت‌گرا، نگاه کنید به مقاله‌ی عاقلی زیر نام تاثیر رسانه‌ها بر امنیت اجتماعی در افغانستان، در کتاب روزنامه‌نگاری جنگ و صلح، ویراسته‌ی مسعود مومن (۱۳۹۹) و نیز مقاله ارشاد اخلاص، در پیوند زیر: <https://www.rudabe.com/archives/24509>

فصل نامی

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴

مفروضه‌های روایت مخالف نیز این موارد بودند: (۱) ژورنالیزم در خدمت نفی سیاست وابستگی به غرب؛ (۲) روزنامه‌نگاری متعهد و ساخت بومی سیاست تکثرگرا در ساختار (فدرالیسم) و محتوا (کثرت‌گرایی سیاسی و فرهنگی) در افغانستان؛ (۳) روحیه انتقادی و رهایی‌بخش در نشریات و تولیدات رسانه‌ای؛ و ۴ بازاندیشی داشته‌های پیشین و کشف الگوهای حکومت‌داری از بزرگان خرد از دوره‌ی آریانیان کهن و خراسان تا اکنون (عاقلی، ۱۳۹۱ و اخلاص، ۱۴۰۲). ویژگی برجسته‌ی این روایت عبارت بودند از: نقد سیاست‌های تمرکزگرایانه و فاشیستی دولت، انتقاد از حضور امریکا در افغانستان، روشن‌گری از بحران هویت، نقد بر ارزش‌های ادغام‌گرای قومی، نقد سیاست‌های آموزشی و اقتصادی دولت، نقد برنامه‌های امنیتی دولت، نقد سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی دولت و غرب، اولویت به همسایگان و ساخت مناطق کابل‌محور، نقد غرب‌گرایی در رسانه‌ها، انتقاد از پیمان‌های افغانستان و غرب، نقد بازار و سیستم سرمایه‌داری جهانی، نقد دولت مبنی بر عدم توجه به خودکفایی داخلی و عدم ساخت زیربنای اقتصادی و در نهایت نقد فسادهای سیاسی و اخلاقی دولت بود.

این روایت، ژورنالیزم را ابزار آگاهی‌بخشی، بیدارسازی و بازتعریف ساختارهای سیاسی می‌دانست. رویکرد آن بر استقلال رسانه‌ای، بازیابی هویت تاریخی و تقابل با سلطه‌ی فرهنگی غرب استوار بود. در نتیجه، این جریان رسانه‌ای تلاش داشت گفتمانی بومی و مقاوم در برابر امپریالیسم اطلاعاتی شکل دهد.

نویسنده پس از تحلیل متون تاریخی نگاشته شده، پیرامون چگونگی ژورنالیزم افغانستان از آغاز شکل‌گیری تا اکنون، هیچ‌یک هدف تحقیق کنونی را دنبال نکرده و به دنبال کشف اصول و مفروضه‌های ژورنالیزم افغانستان نبودند. از این رو، جهت‌گیری‌های شش‌گانه‌ای رقیب که در این نوشته دنبال شده است، بر مبنای اصول و مفروضه‌های آشکا و پنهانی بودند که منطق جهت‌گیری از دل آن‌ها پرداخته است. نوشته‌های گذشته به خوب توانسته‌اند جهت‌گیری روزنامه‌نگاری را تحلیل نمایند، مگر نتوانستند، بنیادهای آن و نیز چرایی این جهت‌گیری را تحلیل و بررسی کنند. شاید از میان نوشته‌هایی که در پیشینه‌ی تحقیق بدان‌ها پرداخته شده است، نوشته‌ی پرتو نادری تنها گزینه‌ای باشد که به هدف ما نزدیک است. با این حال، آن نوشته نیز هدف این تحقیق را پوشش نمی‌دهد. از این رو، این نوشته نخستین گام در راستای تحلیل روزنامه‌نگاری افغانستان، با رویکرد مقایسه‌ای است. چکیده‌ی این نوشته که آن را از دیگر متون متمایز می‌سازد، این است که در هر سه دوره‌ی یادشده، افغانستان رویکرد واحد و بی‌چالش نداشته است. هر رویکرد غالب، رویکرد متضاد خود را، ولو در جای‌گاه بسی فروتر و پیرامونی‌تر، داشته است. این یافته‌ها به محققان یاری می‌رساند تا بتوانند از دل تجربه‌ی روزنامه‌نگاری‌هایی که با مفروضه‌ها و اصول متفاوت یاری گرفته‌اند و به شکست و ناکامی گراییده‌اند، روزنامه‌نگاری کابل‌محور آفرید که از یک‌سو با تجربه‌ی جهانی دم‌ساز باشد و از سوی دیگر تجربه‌ی زیسته‌ی ما را لحاظ نماید. این روزنامه‌نگاری نه لزوماً محافظه‌کار و نه لزوماً انتقادی است. بلکه به جای «عقلانیت ابزاری» مورد نظر لیبرال‌ها و «عقلانیت انتقادی» مورد نظر مکتب فرانکفورت و یا پست‌مدرن‌ها، می‌تواند از «عقلانیت هماهنگی» مورد نظر ژورنالیزم کابل، پی‌روی نماید.

نتیجه‌گیری

کار ژورنالیستیک در افغانستان همیشه با افت‌وخیزهای زیادی همراه بوده و عوامل داخلی و بیرونی زیادی بر آن تاثیرگذار بودند. در این میان، تغییر نظام سیاسی مهم‌ترین علت تغییر بنادین فعالیت روزنامه‌نگاری بوده است. با نگاهی به تاریخ کشور، به خوبی می‌توان تاثیر تغییرات سیاسی را بر تغییرات عمل‌کرد ژورنالیستی به خوبی دید و بازشناخت. از دوره‌ی شیرعلی خان تا دوره‌ی غنی، عمل‌کرد رسانه‌ها را باید در مناسبات قدرت تحلیل کرد. این بدان معنا است که با بررسی فشرده‌ی یک‌ونیم سده فعالیت روزنامه‌نگاری در افغانستان می‌توان گفت، ما سه دور کلی و شش روایت داشته‌ایم. روزنامه‌نگاری دور اول با استعمار و استعمارزدایی تعریف می‌شود. رونامه‌نگاری استعماری تقلیدی بود و می‌خواست

ارزش‌های کشورهای دیگر را در کشور گسترش دهد، در حالی که استعمارزادی آگانه در چارچوب پان‌آسیاگرایی، پان‌اسلامیسم، استقلال‌خواهی و اصلاحات داخلی دنبال می‌شد.

روزنامه‌نگاری دور دوم، استقلال‌خواهی روایت دور اول را پذیرفت و پان‌آسیاگرایی و پان‌اسلامیسم را کنار گذاشت و با شدت در برابر استعمار موضع گرفت. مشروطه‌خواهی با پی‌روی از تجربه‌ی هند، ترکیه و ایران در این دور برجسته شد و مخالفت با استعمار نقش بارز پیدا کرد. این دور با آمدن خاندان آل‌یحی به سمت فاشیسم مسیر خورد و با آمدن کمونیسم رسماً از ناسیونالیسم قومی به سمت مطبوعات ایدئولوژیک مارکسیستی گرایش یافت و در دوره‌ی مجاهدین رویکرد اسلامی جایگزین آن شد. نسخه‌ی روزنامه‌نگاری وابسته در این دور می‌کوشید فرهنگ غربی مانند انگلیس و امریکا، شوروی (به‌ویژه حکومت نادرخان، ظاهرخان، داوودخان و خلق و پرچم) و کشورهای غرب آسیا مانند کشورهای عربی و ایران (حکومت مجاهدین) را در افغانستان پخش و فراگیر سازد، مگر روزنامه‌نگاری ایستادگی نیز با کنش‌های روشن‌فکران در این مسیر وجود داشت که نمونه‌ی آن نشریه‌ی انیس است.

روزنامه‌نگاری دور سوم، با حضور امریکا رسماً به مدار غرب مسیر یافت و امپریالیسم فرهنگی و گونه‌ی خاصی از دانش و کنش رسمیت یافت. اندیشه‌ی خودگردانی بسیار ناچیز در میان مردم باقی ماند، مگر آن‌قدر ضعیف بود که سیاست‌مدران و روزنامه‌نگاران حتی به خود اجازه ندادند که در آن مورد اندیشه و تأمل نمایند. در نهایت، کارکرد امپریالیستی رسانه‌ها جای‌گاه اخلاقی آن‌ها را متزلزل ساخت و این بهانه‌ای شد برای شکل‌گیری جریان‌های مخالف اسلامی در افغانستان مبنی بر این‌که افغانستان دیگر یک کشور اسلامی نبوده و ارزش‌های غربی و بی‌بندوباری را رواج می‌دهد و دولت هم، چون دست‌نشانده‌ی غرب است، نمی‌تواند مانع چنین محتوای مبتذلی شود. بنابراین، تاریخ لیبرالیسم تقلیدی افغانستان در ۱۴۰۰ پایان یافت و شکل تازه‌ای از روزنامه‌نگاری (در عمل و نه در تیوری) به وجود آمد.

منابع

۱. آهنگ، محمدکاظم (۱۳۴۹)، سابقه و آغاز ژورنالیزم در افغانستان، نشریه‌ی آریانا، شماره‌ی ۲۸، صص ۲۸-۳۶.
۲. آهنگ، محمدکاظم (۱۳۴۹)، سیری در ژورنالیزم افغانستان، کابل: انجمن تاریخ و ادب افغانستان اکادمی.
۳. ابراهیمی، سیدنایل (۱۳۹۹)، دیپلماسی فرهنگی امریکا در افغانستان از ۱۳۸۴ - ۱۳۹۸، فصل‌نامه‌ی علمی - تحقیقی رنا، دور اول، شماره‌ی ۱۸، صص ۱۲۷-۱۴۴.
۴. ابراهیمی، سیدنایل (۱۴۰۳)، تأثیر رسانه‌ها بر سیاست خارجی افغانستان، از ۱۳۸۲ - ۱۴۰۰، فصل‌نامه‌ی رنا، سال هشتم، شماره‌ی سوم، صص ۲۳-۴۱.
۵. اخلاص، ارشاد (۱۴۰۲)، از ادغام‌گرایی تا کثرت‌گرایی؛ مقایسه‌ی روایت‌های دولت‌سازی در افغانستان، خبرگزاری راسک، دسترسی در پیوند زیر: <https://www.rudabe.com/archives/24509>
۶. بوردیو، پیر (۱۴۰۱)، درباره‌ی تلویزیون و سلطه‌ی ژورنالیزم، مترجم: ناصر فکوهی، تهران: نشر جاوید.
۷. بی‌نوا، عبدالرووف (۱۳۳۰)، شمس‌النهار، نشریه‌ی آریانا، سال نهم، شماره‌ی چهارم، صص ۱-۷.
۸. حسین‌زاده، بصیر احمد (۱۳۸۹)، شمس‌النهار؛ پیشینه‌ی نخستین نشریه‌ی افغانستان، سایت بی‌بی‌سی، قابل‌باز یافت در پیوست زیر: https://www.bbc.com/persian/afghanistan/100429/05/2010_11_newspaper_shamsonahar
۹. حبیبی، حبیب‌الله (۱۳۶۳)، جنبش مشروطیت در افغانستان، کابل: کمیته‌ی دولتی طبع و نشر ج. د. ا.
۱۰. خبرگزاری زنان افغانستان (۱۳۹۹)، ملکه‌تیریا؛ از پیشگامان آزادی زنان افغانستان، قابل‌باز یافت در پیوند زیر: <https://www.afghanwomennews.com/>
۱۱. رهین، رسول (۱۳۸۶)، تاریخ مطبوعات افغانستان؛ از شمس‌النهار تا جمهوریت، کابل: انتشارات سعید.
۱۲. سیستانی، محمداعظم (۱۳۸۳)، علامه محمودطرزی، شاه‌امان‌الله و روحانیت متنفذ، نشر افغان جرمن، دسترسی آنلاین در پیوند زیر: https://www.afghan-german.net/upload/Tahliha_PDF/sistani_azam_alama_mahmud_tarzi.pdf
- شادان، عبدالله (۱۳۹۰)، شمس‌النهار؛ نخستین نشریه‌ی در افغانستان، سایت بی‌بی‌سی فارسی، قابل‌دسترس در پیوند زیر: https://www.bbc.com/persian/afghanistan/110916/10/2011_mm_century_afghanpress_sh_01
۱۳. عاقلی، مصطفی (۱۳۹۹ الف)، ژورنالیزم رهایی‌بخش در افغانستان، فصل‌نامه‌ی رنا، شماره‌ی ۱۸-۱۹، صص ۱۰۷-۱۴۴.

فصل‌نامه‌ی

فصل نامه‌ی

علمی - تحقیقی رنا
شماره (۱)
بهار ۱۴۰۴ هـ ش

۱۴. عاقلی، مصطفی (۱۴۰۲)، پیش‌گفتار، در کتاب درآمدی بر فدرالیسم، نوشته‌ی الیوت بلمر، کابل و مزار شریف، نشر مشترک مکتب روابط بین‌الملل کابل و خانه‌ی مولانا.
۱۵. عاقلی، مصطفی (۱۳۹۹ ب)، رسانه و امنیت اجتماعی در افغانستان، در کتاب ژورنالیزم جنگ و صلح، نوشته‌ی مسعود مومن، کابل: نشر مدیوتیک افغانستان.
۱۶. عاقلی، مصطفی (۱۳۹۱)، سرمقاله‌ی دو هفته‌نامه انقلاب فرهنگی، سال نخست، شماره‌ی نخست.
۱۷. عاقلی، مصطفی (۱۴۰۳)، نقد مبانی فلسفی ژورنالیزم لیبرال (نشست علمی)، پوهنتون رنا، قابل دسترس در پیوند زیر:
<https://www.youtube.com/watch?v=o۲K۱u۹-PXbc>
۱۸. غفوری، عبدالصبور (۱۳۹۶)، تاریخ رسانه‌های افغانستان از شیرعلی تا اشرف غنی، کابل: انتشارات سعید.
۱۹. غفوری، عبدالصبور (۱۴۰۳)، روشن‌فکری و سیاست: تحلیل سیاست خارجی افغانستان از چشم‌انداز تصمیم‌گیری، فصل‌نامه‌ی رنا، سال هشتم، شماره‌ی سوم، صص ۴۳-۵۷.
۲۰. گریگورین (۱۳۸۷)، محمود طرزی و سراج‌الخبر، اسدالله ندیم، قابل بازیافت در پیوند زیر:
<http://archive.goftaman.com/daten/fa/articles/part۲۴/article.htm>
۲۱. موسی‌نظام، ملالی (۱۳۹۸)، علیاحضرت ملکه ثریا، علم‌بردار نهضت مترقی زن افغانستان، آریانا افغانستان آنالین، قابل دسترس در پیوند زیر:
۲۲. نادری، پرتو (۱۳۸۵)، چگونگی رسانه‌ها در افغانستان، کابل: مجتمع جامعه‌ی مدنی. قابل دریافت در پیوست زیر:
<https://dawatmedia۲۴.com/?p=۱۱۰۲۸۸>
- نادری، پرتو (۱۴۰۳)، شمس‌النهار و میرزا عبدالعلی، سایت ماریا دارو، قابل دسترس در پیوند زیر:
<https://mariadaro.com/archives/۱۷۶۴۲>